

آمادگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین حرفه‌ای

علیرضا ایرج‌پور، موسی علوی*

چکیده

مقدمه: اعتقاد به افزایش اثربخشی خدمات سلامتی از طریق مشارکت و کار تیمی منجر به تأکید روز افزون بر لزوم آماده کردن تمام دانشجویان حرفه‌های بهداشت و درمان از طریق یادگیری بین‌حرفه‌ای شده است. لذا هدف از این مطالعه بررسی آمادگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین‌حرفه‌ای و نیز تعیین ارتباط آن با برخی متغیرهای زمینه‌ای است.

روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی و مقطوعی است. زمان انجام مطالعه سال ۱۳۸۹-۹۰ بود. جامعه پژوهش شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. نمونه‌ها با بهره‌گیری از روش آسان انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه آمادگی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای (RIPLS) بود.

نتایج: تعداد ۲۰۰ نفر پرسشنامه را پر کردند و داده‌های ۱۸۳ پرسشنامه تحلیل شد. از این تعداد ۲۵/۷ درصد در رشته پرستاری، ۴۸/۶ درصد در رشته پزشکی و ۲۴ درصد نیز در سایر رشته‌های علوم سلامت مشغول به تحصیل بودند. میانگین (انحراف معیار) امتیاز آمادگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین‌حرفه‌ای ۷۰/۴۷ (۵/۳۴) به دست آمد. میانگین (انحراف معیار) امتیاز برای رشته پرستاری برابر ۷۲/۱ (۴/۹۱)، برای رشته‌های پزشکی برابر ۶۹/۸۳ (۵/۵۸) و برای سایر رشته‌های علوم سلامتی برابر (۴/۸۵) به دست آمد. همچنین ارتباط بین متغیر آمادگی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای و هیچ‌کدام از متغیرهای سن، جنسیت، سابقه شرکت در برنامه‌های یادگیری اشتراکی، سابقه کار بالینی، سابقه تدریس، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی معنادار نبود.

نتیجه‌گیری: نظر به آمادگی بالاتر از متوسط (میانگین امتیاز) در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، توسعه فرصت‌های یادگیری بین‌حرفه‌ای پیشنهاد می‌گردد. عدم مشاهده رابطه معنادار بین متغیر آمادگی دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای، حاکی از فرآگیر بودن و مواجهه با حداقل محدودیت‌ها در اجرای این رویکرد است. هر چند پژوهش‌های آنی برای بررسی قابلیت اجرایی و عوامل موثر بر آن پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: یادگیری بین‌حرفه‌ای، آمادگی، دانشجو

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی/ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت/اسفند ۱۳۹۰؛ ۱۰۵۰ تا ۱۰۵۶

مقدمه

فرهنگی، اجتماعی و همچنین اقتصادی، نظام آموزش علوم پزشکی به منظور به روز نمودن خود متناسب با تغییرات مذکور، شاهد بهره‌گیری از رویکردهای متنوعی بوده است. بدین منظور تغییرات زیربنایی در محتوا و نحوه ارائه برنامه‌های آموزش و تربیت اعضای تیم سلامت مورد توجه قرار گرفته است. تأکید بر آموزش بین‌حرفه‌ای (Interprofessional Education) و یادگیری بین‌حرفه‌ای (Interprofessional learning) از

* نویسنده مسؤول: دکتر موسی علوی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

m_alavi@nm.mui.ac.ir
دکتر علیرضا ایرج‌پور (استادیار)، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
(irajpour@nm.mui.ac.ir)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۴، تاریخ اصلاحیه: ۹۰/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۸

در آموزش عالی دانشجویان حاصل نشده است(۱)؛ اما آنچه مسلم است آمادگی فراغتیان صرفنظر از راهبرد مورد استفاده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آمادگی بعنوان نگرش دانشجویان در مورد حرفه‌های همیگر و سطوح دانش، مهارت و روش‌های خلاقانه‌ای که آنان می‌توانند در یادگیری بین‌حرفه‌ای به کار گیرند تعریف شده است(۴)؛ و در این تعریف بعد نگرشی آمادگی مورد تأکید واقع شده است. نقش آمادگی فراغتیان آن چنان مهم است که در تمامی الگوهای نوین تدریس به اهمیت آن برای مشارکت فعال و خود انگیزشی فراغتیان تأکید شده است؛ چرا که آمادگی عاطفی و انگیزش در تأمین یک جو تسهیل کننده در یادگیری نقش بسزایی ایفا می‌کند(۶). به ویژه یادگیری بزرگسالان، بر پیش فرض اصلی مبنی بر وجود آمادگی فراغتیان برای نیل به اهداف آموزشی تأکید دارد(۷).

با وجود اهمیت توسعه آموزش بین‌حرفه‌ای و نقش کلیدی آمادگی دانشجویان در این زمینه، شاهد چالش هستیم. چرا که مطابق با برخی مستندات، هر چند که ممکن است رفع موانع ساختاری و سازمانی در اجرای آموزش بین‌حرفه‌ای دشوار باشد، لیکن آمادگی ناکافی و نگرش نامناسب فراغتیان مانع عظیم تری را فراروی برنامه‌ریزان و مجریان آموزشی قرار داده است(۳). بنابراین بررسی آمادگی فراغتیان می‌تواند به عنوان یکی از پیش نیازهای به کارگیری و بهره‌مندی از فرآیند آموزش و یادگیری بین‌حرفه‌ای مورد توجه قرار گیرد. از این باب برخی محققان ضمن مباررت به بررسی آمادگی فراغتیان، اهمیت توجه به این مقوله را در محیط‌های آموزشی مورد تأکید قرار داده‌اند(۳تاه)، با این وجود مطالعه مشابهی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام نشده است. لذا مطالعه حاضر دو هدف شامل (الف) تعیین میانگین امتیاز آمادگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین‌حرفه‌ای و (ب) تعیین رابطه بین آمادگی دانشجویان تحصیلات

نمودهای تغییر و بازنگری در برنامه‌ریزی آموزشی خدمات سلامتی به حساب می‌آید(۱). منظور از آموزش بین‌حرفه‌ای فرآیند یادگیری است که طی آن فراغتیان دو یا چند حرفه علاوه بر فراغتی یک محتوای مشترک، از یکدیگر و درباره یکدیگر نیز اطلاعاتی را کسب می‌نمایند؛ تا به ارتقای همکاری و کیفیت ارائه مراقبت بیانجامد(۲). عقیده مبنی بر این که «اثربخشی مراقبت از بیماران از طریق مشارکت و کار تیمی افزایش خواهد یافت»، منجر به یک عزم بین‌المللی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای در آموزش علوم سلامت شده است(۳). بنابراین امروزه تأکید فراوانی بر آماده کردن تمام دانشجویان حرفه‌های بهداشت و درمان از طریق یادگیری بین‌حرفه‌ای صورت می‌پذیرد؛ تا عملاً ایشان را برای ارائه عملکرد حرفه‌ای خود یاری نمایند. این ادعا بر پایه این پیش فرض استوار است که تمام اعضای تیم سلامت نیاز دارند تا علاوه بر کار با مددجویان با همکاران خود نیز تعامل داشته باشند(۴). وجود همپوشانی فراینده در دانش و مهارت‌های بین‌حرفه‌های مختلف که با ابهام در مرزهای تبیین نقشهای و مسئولیت‌های کارکنان حرفه‌های گوناگون همراه شده است، نیز مزید بر علت گردیده تا لزوم آموزش بین‌حرفه‌ای بیش از پیش احساس شود(۳).

در ادبیات موجود نیز فرآیند آموزش و یادگیری بین‌حرفه‌ای مورد مطالعه واقع شده و به اهمیت آن نیز تأکید شده است. به عنوان نمونه در یک مطالعه مروری نظاممند از سوی بار و همکاران(۵) به ارزشیابی تأثیر ۳۵۳ مورد آموزش بین‌حرفه‌ای بر مراقبت‌های سلامتی و اجتماعی پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از سودمندی وارد شدن به فرآیند آموزش و یادگیری بین‌حرفه‌ای در سازمان و به ویژه در زمینه ارائه خدمات بهداشت و درمان بود.

على‌رغم احساس نیاز و علاقمندی رو به رشد به آموزش و یادگیری بین‌حرفه‌ای، هنوز اجتماعی در مورد جایگاه آموزش بین‌حرفه‌ای در برنامه درسی تحصیلات عمومی

هدف پژوهش و تعریف دو واژه مهم در این حوزه، به بنام بودن آن اشاره شده است و در صفحه دوم برخی از ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان و سه سؤال کوتاه پاسخ مطرح گردیده است. در پایان این سؤالات، ۱۹ گویه برای بررسی درجه موافقت پاسخ‌گویان از طریق مقیاس لیکرت آورده شده است؛ به طوری که کاملاً مخالف با امتیاز ۱ تا کاملاً موافق با امتیاز ۵ مشخص گردیده است. بدین ترتیب مجموع پاسخ‌ها به این گویه‌ها امتیازی از ۱۹ تا ۹۵ را شامل می‌شود.

پژوهشگران پس از ترجمه ۱۹ جمله مندرج در ابزار، جهت بررسی روایی صوری و محتوایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها (پرسشنامه RIPLS) فرم اولیه آن در اختیار تعدادی از افراد صاحب نظر قرار داده شد تا پس از اعمال نظرات ایشان و انجام اصلاحات لازم فرم نهایی تدوین و مورد استفاده قرار گیرد. سپس ضمن اجرای مقدماتی پرسشنامه روی نمونه ۳۰ نفری، اعتبار درونی ابزار (آلای کرونباخ معادل ۰/۸) حمایت شد.

مراحل جمع‌آوری داده‌ها به این صورت بود که متعاقب اخذ مجوزهای مربوطه، به محلهای منتخب در دانشگاه مراجعه و اقدام به نمونه‌گیری شد؛ به مسؤولین دانشکده‌ها و شرکت‌کنندگان در پژوهش نیز اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده محترمانه نگه داشته می‌شود. پژوهشگر اهداف طرح را به طور کامل برای شرکت‌کنندگان تبیین نمود و به شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد که شرکت ایشان داوطلبانه است و تکمیل ابزار مورد نظر به منزله رضایت ایشان از مشارکت در طرح تلقی می‌شود.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS-16 مورد تحلیل قرار گرفت. خصوصیات زمینه‌ای شامل سن، جنسیت، رشته و مدرک تحصیلی، سابقه تدریس و گذراندن دوره آموزش اشتراکی از طریق آمار توصیفی از طریق نرم‌افزار به دست آمد. به منظور مقایسه گروه‌ها و نیز تعیین ارتباط بین متغیرها به تناسب از آزمون‌های پیرسون، تی تست و تحلیل واریانس یک

تمکیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین‌حرفه‌ای و متغیرهای سن، جنسیت، سابقه شرکت در برنامه‌های یادگیری اشتراکی، سابقه کار بالینی، سابقه تدریس، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی را دنبال می‌کند.

روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع توصیفی و مقطعي است. زمان انجام مطالعه سال ۱۳۸۹-۹۰ بود. جامعه پژوهش شامل تمامی دانشجویان تحصیلات تکمیلی اعم از مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی علوم پایه و بالینی و همچنین دوره‌های تکمیلی فلوشیپ کلیه رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی اصفهان هستند؛ که در سه زیرگروه کلی تحت عنوانین پرستاری، پزشکی و سایر رشته‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. دلایل انتخاب این سه زیر گروه، در اختیار داشتن نمونه کافی در هر زیر گروه و نیز سهولت تفسیر نتایج مطالعه بود. دلیل انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی این است که فرآیند اجتماعی شدن حرفه‌ای (Professional Socialization) ایشان بیش از دانشجویان مقاطع پایین‌تر شکل گرفته و موقعیت‌های بیشتری برای ارتباط با دانشجویان سایر رشته‌ها برای ایشان فراهم است. اشتغال به تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی تنها معیار پذیرش جهت ورود به مطالعه بود. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری آسان استفاده شد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار آمادگی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای Readiness for (Interprofessional Learning- RIPLS) استفاده شد. این ابزار برای اولین بار در سال ۱۹۹۹ ابزاری توسط پارسل و بلای (Parsell & Bligh) با ۱۹ گویه طراحی و مورد استفاده قرار گرفت (۴). پس از آن، ابزار مذکور به دفعات به کار برده شده و روایی محتوایی قابل قبولی برای آن گزارش شده است (۳ و ۲). پرسشنامه از دو صفحه تشکیل شده است که در صفحه اول ضمن معرفی

$P=0.331$ ، $n=167$ ، $t=0.076$). نتیجه آزمون تی تست نیز نشان داد که بین آمادگی دانشجویان و متغیر جنسیت رابطه معنادار نبود ($df=179$ ، $t=0.581$ ، $p=0.562$). همچنین این آزمون نشان داد که بین متغیر آمادگی برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیر سابقه شرکت در برنامه‌های یادگیری بین حرفه‌ای رابطه معنادار نبود ($df=161$ ، $t=1.42$ ، $p=0.158$). به منظور بررسی رابطه بین آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیر سابقه کار بالینی از آزمون پیرسون استفاده شد؛ که نتیجه آزمون معنادار نبود ($df=144$ ، $P=0.119$ ، $n=177$ ، $t=0.119$). این آزمون همچنین برای بررسی رابطه بین آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیر سابقه تدریس استفاده شد؛ که نتیجه آن معنادار نبود ($df=259$ ، $P=0.259$ ، $n=162$ ، $t=0.089$). به منظور بررسی رابطه بین متغیر آمادگی دانشجویان و متغیر مقطع تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد؛ که نتیجه آزمون معنادار نبود ($P=0.717$). و در نهایت تحلیل واریانس یک طرفه نتیجه معناداری را در بررسی رابطه بین آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیر رشته تحصیلی نشان داد ($P=0.057$).

بحث

این مطالعه آمادگی دانشجویان تحصیلات تكمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین حرفه‌ای را مورد بررسی قرار داده و نیز رابطه بین آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه‌ای و برخی متغیرهای زمینه‌ای را بررسی نموده است. نتایج مطالعه نشان داد که دانشجویان شرکت‌کننده آمادگی خود را برای یادگیری بین حرفه‌ای بالاتر از متوسط (میانگین) اعلام نموده‌اند. از آنجائیکه ابزار مورد استفاده ابعاد مختلف نگرش دانشجویان را مورد ارزیابی قرار می‌داد، این نتایج نشان دادند که یک تمایل و آمادگی عمومی بین دانشجویان تحصیلات تكمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای

ظرفه با سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد.

نتایج

در این مطالعه تعداد ۲۰۰ نفر (۸۷ درصد پاسخ‌دهی) پرسشنامه را تکمیل نمودند. پس از پالایش اطلاعات پرسشنامه‌ها از نظر هماهنگی ظاهری و نیز بررسی از نظر داشتن داده‌های پرت، به ترتیب تعداد ۶ و ۱۱ پرسشنامه از تحلیل خارج شدند و اطلاعات تعداد ۱۸۳ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. از این تعداد ۴۷ نفر (۲۵/۷ درصد) در رشته پرستاری، ۸۹ نفر (۴۸/۶ درصد) در رشته پزشکی و ۴۴ نفر (۲۴ درصد) نیز در سایر رشته‌های علوم سلامتی مشغول به تحصیل بودند. سه نفر نیز اطلاعات مربوط به این قسمت از پرسشنامه را تکمیل نکرده بودند. از نظر جنسیت ۶۰ نفر مؤنث و ۱۲۱ نفر نیز ذکر بودند و دو نفر نیز بخش مربوطه را در پرسشنامه تکمیل نکرده بودند.

میانگین (انحراف معیار) امتیاز آمادگی دانشجویان تحصیلات تكمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین حرفه‌ای $70/47$ ($5/34$) به دست آمد. میانگین (انحراف معیار) امتیاز برای رشته پرستاری برابر $72/1$ ($4/91$)، برای رشته‌های پزشکی برابر $69/83$ ($5/58$) و برای سایر رشته‌های علوم سلامتی برابر $70/25$ ($4/85$) به دست آمد.

یافته‌های مربوط به تعیین ارتباط آمادگی دانشجویان تحصیلات تكمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیرهای سن، جنسیت، سابقه شرکت در برنامه‌های یادگیری اشتراکی، سابقه کار بالینی، سابقه تدریس، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی به شرح زیر است.

به منظور بررسی رابطه بین آمادگی دانشجویان تحصیلات تكمیلی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای یادگیری بین حرفه‌ای و متغیر سن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد؛ که نتیجه آزمون معنادار نبود

جمعیت شناختی سن، جنسیت، سابقه شرکت در برنامه‌های یادگیری اشتراکی، سابقه کار بالینی، سابقه تدریس، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. همراستا با این نتایج، مطالعه‌ای که نگرش حرفه‌های مختلف سلامتی را نسبت به آموزش بین‌حرفه‌ای با استفاده از چند ابزار از جمله ابزار آمادگی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای (RIPLS) می‌سنجدید نشان داد که ارتباطی بین اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان و نگرش آنان به آموزش بین‌حرفه‌ای وجود نداشت(۱۶). این نتایج نیز نشان می‌دهند که آمادگی دانشجویان تحصیلات تكمیلی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای مستقل از عوامل زمینه‌ای بوده و بنابراین ممکن است استقرار و توسعه فرآیند آموزش و یادگیری بین‌حرفه‌ای بدون توجه به عوامل زمینه‌ای با سهولت بیشتری امکان پذیر باشد. با در نظر داشتن محدودیت‌های مربوط به این مطالعه به ویژه استفاده از نمونه‌گیری غیر احتمالی و ضرورت احتیاط در تفسیر این نتایج، پیشنهاد می‌گردد قابلیت اجرایی این گونه برنامه‌ها و میزان اثربخشی آنها با توجه به سایر عوامل تأثیر گذار ضمن مطالعات آتی مورد بررسی قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

نظر به آمادگی بالاتر از متوسط (میانگین امتیاز) در دانشجویان تحصیلات تكمیلی، یافته‌های مطالعه بر وجود زمینه مناسب برای توسعه یادگیری بین‌حرفه‌ای تأکید دارند. عدم مشاهده رابطه معنادار بین متغیر آمادگی دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای، حاکی از فراگیر بودن و مواجهه با حداقل محدودیت‌ها در اجرای این رویکرد است. لذا پیشنهاد می‌گردد مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی با تمرکز کمتر به محدودیت‌های زمینه‌ای، از قابلیت‌های موجود به نفع توسعه یادگیری بین‌حرفه‌ای در دانشگاه گام بردارند. با توجه به این که حجم نمونه محدود و نیز استفاده از روش غیر احتمالی در نمونه‌گیری، تفسیر نتایج

برای ورود به عرصه‌های آموزش بین‌حرفه‌ای وجود دارد. این نتایج در کنار تأکید متون موجود بر فواید یادگیری بین‌حرفه‌ای(۵۰و۶۰) بر اهمیت توسعه راهبردهای آموزش بین‌حرفه‌ای تأکید دارد. مرور بر متون ضمن تأکید بر ضرورت و اهمیت ایجاد آمادگی در دانشجویان علوم سلامتی و نیز وارد شدن به فعالیتهاي یادگیری بین حرفه‌ای، بر وجود ضعف در این زمینه صحه می‌گذارند(۱۱و۱۰). علیزاده و همکاران در مطالعه‌ای، نگرش و آمادگی دانشجویان پزشکی را برای یادگیری بین‌حرفه‌ای بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که دانشجویان علی‌رغم داشتن نگرش مثبت به یادگیری بین‌حرفه‌ای به دلیل عدم آشناشی با وظایف حرفه‌ای خود و سایر رشته‌های علوم پزشکی، نیازمند دریافت آموزش به منظور ارتقای آمادگی هستند(۱۲).

مطابق با نتایج مطالعه، دانشجویان رشته پرستاری نسبت به رشته‌های زیرمجموعه پزشکی و سایر رشته‌های علوم سلامتی آمادگی بیشتری را برای یادگیری بین‌حرفه‌ای داشتند. این نتایج همانند یافته‌های مطالعه موریسون (Morison) و همکاران(۱) است که نشان داد دانشجویان پرستاری (۷۸ درصد) نسبت به دانشجویان پزشکی (۷۰ درصد) نگرش مثبت بیشتری نسبت به تأثیر اثربخشی یادگیری بین‌حرفه‌ای داشتند. هر چند که در هر دو مطالعه این تفاوت‌ها معنا دار نبود.

معنadar نبودن تفاوت‌های بین رشته‌های مختلف در میزان آمادگی برای یادگیری بین‌حرفه‌ای در کنار آمادگی ایشان، حاکی از وجود فضایی مناسب برای توسعه برنامه‌های آموزش بین‌حرفه‌ای است. اهمیت این مسئله هنگاهی بیشتر آشکار می‌گردد که بدانیم مطابق با بسیاری از متون موجود، تفاوت‌های نگرشی بین حرفه‌های علوم سلامتی از مهم‌ترین عواملی است که روابط بین‌حرفه‌ای را مختل می‌سازد(۱۳تا۱۵).

همچنین نتایج مطالعه نشان داد که بین آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین‌حرفه‌ای و متغیرهای

بر خود لازم می‌دانیم از تمامی مسؤولین و کارکنان محترم دانشگاه و مشارکت‌کنندگان عزیز که با در اختیار گذاشتن منابع مالی و معنوی و تجارب ارزشمند خود، ما را در انجام این مطالعه یاری نمودند تشکر نماییم.

این مطالعه را با محدودیت مواجه ساخته است؛ پیشنهاد می‌گردد این مطالعه در حجم‌های نمونه بالاتر در سایر محیط‌های آموزشی، ضمن بررسی اثرات ترکیبی متغیرهای زمینه‌ای تکرار گردد.

قدرتانی

منابع

- Morison S, Boohan M, Jenkins J, Moutray M, Facilitating undergraduate interprofessional learning in healthcare: comparing classroom and clinical learning for nursing and medical students, Blackwell Publishing Ltd. Learning in Health and Social Care, 2003, 2 (2): 92–104.
- Reid R, Bruce D, Allstaff K, & McLernon D, Validating the Readiness for Interprofessional Learning Scale (RIPLS) in the postgraduate context: are health care professionals ready for IPL?, Medical Education 2006; 40: 415–422.
- Horsburgh M, Lamdin R, Williamson E, Multiprofessional learning: the attitudes of medical, nursing and pharmacy students to shared learning, Medical Education, 2001;35:876- 883.
- Parsell G & Bligh J, The development of Questionnaire to assess the Readiness of health care students for Interprofessional Learning (RIPLS), Medical Education, 1999, 33, 95-100.
- Barr H, Koppel I, Reeves S, et al, the evidence base and recommendations for interprofessional education in health and social care, Effective interprofessional education: development, delivery and evaluation. Oxford, Blackwell.2005.
- Havaaa HT, Erturgutb R, Function of planning in adult education, Social and Behavioral Sciences, 2010; 2(2): 3324-3328.
- Knowles, M. S. The modern practice of adult education: From pedagogy to andragogy. (2nd ed.) New York: Cambridge Books, 1980.
- Irajpour, A., Abedi, HA., Changiz, T., Salehi, S., Shared learning in medical science education in the Islamic Republic of Iran: an investigation. Journal of Interprofessional Care, 2010. 24(2): p. 139-49.
- Irajpour, A., Inter-professional education: a reflection on education of health disciplines. Iranian Journal of Medical Education, 2010. 10(4): p. 451-462 (Persian)
- Rose, M.A., et al., Attitudes of Students in Medicine, Nursing, Occupational Therapy, and Physical therapy toward interprofessional education. Journal of Allied Health, 2009. 38(4): p. 196.
- Davies, K., et al., Making the transition from physiotherapy student to interprofessional team member. Physiotherapy, 2011. 97:139-144.
- Alizaeh M, Nasiri Partovi K, Ghani Afshord H., Attitude and readiness of medical students for interprofessional learning, Strides in development of medical education. Special supplement for 8th national congress of medical education- March 2007: 75-76.
- Darlington Y, Feeney JA. Collaboration between mental health and child protection services: Professionals' perceptions of best practice. Children and Youth Services Review 2008; 30:187-198 .
- Callaly T, Fletcher A. Providing integrated mental health services: a policy and management. perspective Australasian Psychiatry 2005;13:351–356 .
- Rogers T. Managing in the interprofessional environment: a theory of action perspective Journal of Interprofessional Care 2004;18:pages 239 - 249
- Petri, L. Attitudes of health care professions faculty toward Interprofessional education. [cited 2011 February 14]; Available from: www.snr.org/annualconf/2010/data/papers/361.pdf.

Readiness of postgraduate students of Isfahan University of Medical Sciences for inter professional learning

Alireza Irajpour¹, Mousa Alavi²

Abstract

Introduction: There is a global inclination towards collaboration and team work led to increasing emphases on the necessity of preparing health students through inter professional education. This study aimed to assess readiness of postgraduate students of Isfahan University of Medical Sciences for inter professional learning as well as examine its correlation with some demographic variables.

Methods: this was a cross-sectional descriptive study in 2011. Samples were recruited through convenience sampling method from postgraduate students of Isfahan University of Medical Sciences. Data were gathered through the Readiness for Inter Professional Learning Scale (RIPLS).

Results: Two hundred students filled the questionnaires among which 183 questionnaires were subjected to analysis. They were recruited from nursing (25.7 %), medicine (48.6 %) and other disciplines (24 %). Mean score was 70.47 (5.34). The mean score for nursing discipline was 72.1 (4.91), for medicine was 69.83 (5.58) and for other disciplines was 70.25 (4.85). There were no significant correlation between readiness for inter professional learning and contextual variables consisted of age, gender, history of attendance in inter professional education programs, history of clinical practice, history of teaching, education grade and discipline.

Conclusion: Regarding the acceptable (higher than mean score) postgraduate students' readiness, we suggest opportunities for development of interprofessional learning. Insignificant relationship between the students' readiness and contextual variables implies the broad applicability of the interprofessional education, robust to the contextual differences. Nevertheless, future researches would be necessary to ensure applicability of this approach, and to explore factors influential to this process.

Keywords: Inter-Professional Education (IPE), Readiness, student

Addresses:

1. Assistant professor, Medical Education Research Center (MERC), School of Nursing & Midwifery, Isfahan university of Medical Sciences, Isfahan, Iran. Email: irajpour@nm.mui.ac.ir
2. (✉) Assistant professor, Nursing & Midwifery Care Research Center, School of Nursing & Midwifery, Isfahan university of Medical Sciences, Isfahan, Iran. Email: m_alavi@nm.mui.ac.ir